

# پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم در ایران

## حافظ فاضلی

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آن‌ها چیست؟

فاضلی: دولت فدراتیو در واقع بهترین نوع دولت غیر متمرکز است و تجربه عملی کشورهای چون ایالات متحده آمریکا، کانادا، بریتانیا، سوئیس، آلمان، هند و غیره... نمونه بسیار خوبی است که ثابت کرده که هم وحدت و یکپارچگی این کشورها حفظ شد و هم از تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی جلوگیری شده است.

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر آری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/قومی؟

حافظ فاضلی: در باره وضعیت ما "قومیت‌ها"، "ملیت‌ها"، اقوام یا هر واژه‌ای یا تعریفی که به دلیل تمایز در ویژگی‌های فرهنگی، زبانی و اثنیکی مان داده می‌شود، به دلیل اینکه از دو تحول بزرگ در ایران یعنی انقلاب مشروطه و انقلاب سال 1979 نتوانستیم به حقوق واقعی حتی در سطح حقوق شهروندی کامل دسترسی پیدا کنیم به این دلیل دیگر نمی‌خواهیم تجربه سومی را تکرار کنیم و از درس تمرکزگرایی پس از انقلاب مشروطه و انقلاب 57 عبرت نگیریم لذا ترجیح می‌دهیم که پس از جمهوری اسلامی با نیروهای سیاسی، نخبگان و احزاب سیاسی ایرانی برای یک نظام فدرال به تفاهم برسیم تا هم از تمرکزگرایی و ایجاد زمینه برای دیکتاتورپروری جلوگیری کنیم و هم نگرانی ملیت‌ها در باره تضمین مشارکت آنها در ساختار نظام و سرنوشت کشوری که از آن همه ایرانی‌هاست، برطرف شود.

ما عرب‌های ایران به شهادت تاریخ از زمان مشروطه تا به امروز در

همه تحولات مهم ایران فعالانه شرکت کردیم اما در نهایت وقتی کشور به ساحل نجات و استقرار رسید هیچ کس به حقوق ملی، فرهنگی و حتی حقوق شهروندی به مفهوم واقعی ما توجهی نکرد در زمان مشروطه شیخ خزعل طبق شواهد تاریخی به انقلابیون مشروطه کمک کردند (۳۰۰۰۰ تومان) در ملی کردن نفت همراه با دکتر مصدق در جنبش پیشتاز بودیم و برای مصدق سرودها و شعرهایی در اقلیم خوانده شد؛ در انقلاب 57 نیز همراه و کنار مردم ایران ایستادیم ولی نتیجه آن همه فداکاری جواب منفی، نگاه امنیتی سرکوب و اعدام بود. تبعیض در همه سطوح در منطقه علیه عرب ها عملی می شود به گفته خود نمایندگان مجلس رژیم در همه سطوح تبعیض بیداد می کند در استخدام ها کمتر از 2 درصد از مردم عرب در فرصت های شغلی مانند شرکت نفت شرکت ملی حفاری و پتروشیمی و گاز طبق اظهارات نمایندگان در مجلس در بقیه امور پست های کلیدی استان صفر، تسهیلات بانکی صفر استعمار تبعیض، نابودی محیط زیست و انتقال آب بیداد به تمام معنی واقعی. . . چنین شرایط مردم را به جدایی و استقلال طلبی سوق می دهد که در آینده تبعات سنگینی خواهد داشت.

بر می گردیم به فدرالیسم، فدرالیسم به صورت سنتی تا قبل از تاسیس دولت معاصر در ایران همواره وجود عملی داشته ایران قدیم تحت حکومت های امپراطوری پارسها، ساسانی ها تا قاجاریه بیشتر به یک سیستم غیر مرکزی شبیه فدرال اداره می شد یعنی یک سلطنت تمرکزگرا، و امپراطوری با سیستم تمرکز گرا نبود حتی نام ممالیک محروسه ایران خود واقعیت عدم تمرکز را بیان می کند در آن دوره ملیت ها همیشه از چارچوب وحدت ایران دفاع کردند در منطقه ما جنگ حاکمان محلی ما با عثمانی ها در زمان شیخ جابر کعبی بهترین الگوست در جنگ ایران و عراق نیز طبق امار بنیاد شهید از 16 هزار شهید استان 12 هزار از عربهای الاهواز در دفاع از ایران جان باختند حال سوالی که خود را مطرح می کند چرا سلطنت طلبانها برخی جمهوری خواهان ایران، ناسیونالیستها و چپیها، و حتی روشنفکران مذهبی، نمیخواهند این حقیقت را بپذیرند، آیا ما که اینهمه تجربه ظلم و ستم و تبعیض را متحمل شدیم باید نگران باشیم یا کسانی که تجربه وفاداری ما را دارند و هیچ تجربه ناگواری از ما ندیده اند باید نگران باشند اگر دلواپسان از تاسیس نظام فدرالیسم در ایران از ملیت ها واهمه دارند، چگونه از ملیت ها می خواهند که پس از همه تجربه های تلخ تبعیض و نابرابری و ظلم مضاعف نباید از تکرار تمرکزگرایی و بازسازی دیکتاتوری مجدد در قالب دولت مرکزی ترس داشته باشند؟. ما طبق داده های تاریخی و تجارب دو حکومت شاه و

خمینی به این نتیجه رسیدیم که نظام فدرالیسم بهترین الگو برای تحقق عدالت و توزیع قدرت است.

**ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟**

**فاضلی:** در باره نوع فدرالیسم همانطور که همه ما می دانیم این سیستم در کشورهای مختلف با هم متفاوت است ما در ایران هم به طبیعت حال وضعیت تداخل استانها یکی از مسائلی است که ویژگی خاصی به نوع فدرالیسمی که قرار است برای مناطق ما در نظر گرفته شود، فرق می کند ما تجربه عملی از فدرالیسم نداریم برخی استانها هم به دلیل شرایط اقتصادی بزرگترین مهاجرت به آنها صورت گرفته مثلا اقلیم عربستان به دلیل نفت، پتروشیمی و نیشکر و بنادر بیشتر استان مهاجر پذیر در ایران است این مهاجرتها ترکیب جمعیتی را به گونه ای دیگر تغییر داده بنابراین هر راه حلی برای نوع فدرالیسم تمام این جوانب مورد بحث و بررسی قرار می گیرد ولی به نظر ما بهترین نوع فدرالیسم ملی جغرافی است در الاهواز ما برادران بختیاری را با خود داریم در استانهای دیگر هم چنین وضعیتی وجود دارد در برخی شهرهای کردستان و آذربایجان نیز اختلاط قومی صورت گرفته بنابراین با تفاهم و تصویب قوانین مدرن حقوق همه در اقالیم در نظر گرفته می شود و انتخابات مسئولان استان پارلمان و غیر در چارچوب انتخابات آزاد و بر اساس قواعد بازی دمکراسی حل میشود حق انتخاب شدن برای پستها حق مسلم همه کسانی که در آن استان سکونت دارند در هر حال رای اکثریت است که سرنوشت را تعیین می کند ما مطمئنیم که ملیتهای ایران از پیشینه فرهنگی و تمدنی کافی برخوردارند قرنهای با هم زندگی کرده داد و ستد فرهنگی با هم دارند و می توانند با تفاهم مسائل خود را باهم حل کنند.

**فاضلی:** در هر حال این اختیارات در دست دولت مرکزی است چرا که در پارلمان دولت مرکزی نمایندگان ملیتها هم حضور خواهند داشت بنابراین ما مشکلی نمی بینیم که نیروی نظامی دفاع از مرزها، روابط خارجی، برنامههای اقتصادی کلان استخراج معادن و غیر در دست دولت مرکزی به صورت عادلانه توزیع شود ولی سهم کافی از درآمد استانها

برای رونق و توسعه اقتصادی آن استان باید در نظر گرفته شود مثلا در اقلیم عربستان باید درصدی از درآمد نفت به توسعه این اقلیم اختصاص داده شود.

نظارت بر انتخابات استان‌ها یا اقلیم از خود ساکنین باشد اما نظام قضایی در کشور با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی مناطق طبق ویژگی‌های و خصوصیات آن مردم تنظیم شود اما در کل یک نظام قضایی بر مبنای حقوق بشر باید در همه اقلیم تطبیق داده شود.

برای ایران که دارای تنوع قومی است نه تمرکز گرائی و نه تجزیه طلبی، راه حل است اشتباهی که در زمان مشروطیت، رخ داد این است که ما مدلی مانند سیستم فدرال آمریکا را انتخاب نکردیم بلکه مدل فرانسه را سعی کردیم تطبیق بدهیم و با انجمن‌های ایالتی و ولایتی تعدیل کردیم، که این نمونه موفق نشد و هیچگاه عملی نشد بهانه هم این بود که دخالت اجنبی مانع اعتماد دولت مرکزی از تطبیق آن شد در صورتی که اگر به بحث دخالت دولت‌های خارجی مسئله را ربط دهیم دولت‌های اجنبی یا بیگانه در هر مدلی می‌توانند دخالت کنند و از تنوع قومی در ایران بحران بسازند ما باید کارسازهایی را داشته باشیم تا بهانه دخالت بیگانه یا نگاه ملیت‌ها به خارج را از بین ببریم.

نخبگان سیاسی ایرانی همیشه اینگونه وانمود می‌کنند که اگر دولت فدرال را برگزینند، ایالات‌های مختلف هر کدام راه خود را انتخاب و از ایران جدا می‌شوند. اما حقایق فروپاشی یوگسلاوی و قبل از عثمانی این حقیقت را به کرسی می‌نشانند که در این عصر و زمانی اگر دولت‌های مرکزی نتوانند نیازهای ایالات‌های قومی یا اثنیکی را تشخیص و پاسخگوی آنها باشند و حقوق و ویژگی آنها را به رسمیت نشناسد، نتیجه نهائی می‌تواند همان چیزی باشد که آنها از آن می‌ترسند می‌گویند یوگسلاوی را ناسیونالیست‌های افراطی تجزیه کردند و صربستان را موسولوویچ بیشتر تقسیم کردند. اگر حقوق اقلیت‌های قومی برطرف نشود خود به خود اقلیت‌های ملی جدائی را انتخاب کنند، همانگونه که در یوگسلاوی کردند.